

متن پرسش

سلام استاد گرامی: مشکلی در مسیر خود دارم که چند سالی است به طور جدی برایم مطرح شده و نمی توانم از صحت آن سر در بیاورم و آن را به درستی حل کنم. از نعمت های الهی بوده که زیبا به دنیا بیایم، البته از نظر خودم خیلی هم زیبا نیستم که مورد توجه قرار گیرد به این اندازه. از زمانی که کودک بودم وقتی کسی در مورد زیبا بودنم صحبت می کرد خیلی حس بدی پیدا می کردم و فکر می کردم که آن شخص مرا نمی بیند و به چیز دیگری خیره شده و از درون درد می کشیدم، بعدها فراموش کردم و در جریان زندگی از یاد بردم که انسان ها ممکن است آدم را به اشتباه بندازند. تا چند سال پیش قبل از به دنیا آمدن فرزند دومم و تحولات روحی متعددی که برایم پیش آمد احساس بسیار قوی در درونم به وجود آمده که بیشتر کسانی که می شناسم صرفا به خاطر ظاهر مرا دوست می دارند و متأسفانه این احساس را در واقعیت هم به اثبات رسانیده اند. پیری دارد کم کم می آید و فکر مرگ آنقدر قلبم را گاهی درگیر می کند که حسرت کسانی را می خورم که ظاهرشان مانع رشدشان نمی شود. اطرافیانم سال ها مرا در مورد خود به اشتباه انداخته اند و من هم آنچه گردو بود را مروارید پنداشتم. بعد از آشنایی با کتب شما، و بحث ده نکته معرفت نفس، تغییرات زیادی در درونم پیش آمده و وقتی می بینم که در دنیای واقعی انسان ها چگونه در مورد ظاهر افراد به خطا می روند و قضاوت ها می کنند قلبم به درد می آید. وقتی می بینم پسر مرا که ظاهر زیبایی دارد بیش از دخترم مورد اکرام قرار می دهند ناراحت می شوم. هم برای دخترم که او به واسطه دختر بودن شایسته اکرام بیشتر است و هم برای پسر مرا که از همین کودکی انسان ها در مورد خودش او را به خطا می اندازند و گردو را مروارید نشانش می دهند. زمانی از دیدار شخصی با آیت الله بهجت می خواندم که آن شخص بینی آیت الله را در ذهن خود مورد تمسخر قرار می دهد و آیت الله بهجت به ایشان از راز دلش می گوید که برای من مهم نیست بینی ام را تمسخر کنی و می بخشم اما مواظب باش کس دیگری را مسخره نکنی بسا که تو را نبخشد. آن شخص اگر می دانست حسرت انسان هایی که زیبا هستند و دلبسته این زیبایی شده اند چقدر زیاد است هرگز به خود اجازه نمی داد حتی به ذهنش این موارد خطور کند. چه کنم؟ به انسان ها به چشم زیبایی و زشتی نگاه نمی کنم، اما برای خودم نگرانم این موضوع باعث شده نمی توانم به راحتی خودم و بدنم را از هم تشخیص بدهم. از طرفی وقتی می بینم دارم پیر می شوم درد زیادی احساس می کنم. نمی دانم دلبسته این جسم هستم یا نه؟ از کجا بفهمم که جسمم چقدر مانع رشد شده؟ حسرت بیشترم از آن است که چهره دنیا را کسی خودش کسب نکرده اما در آن دنیا هر کس خودش چهره اش را رسم می کند و من در آن روز چگونه خواهم

بود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی در جلسه‌ی اخیر شرح سوره‌ی جاثیه، تحت عنوان «مواجهه‌ی وجودی با عالم و احساس حضور در ابدیت» شده است. إِنْ شَاءَ اللَّهُ سعی بفرمایید خود را در آن افق حاضر کنید. موفق باشید